

7735

۳۸۲

اسی

الحمد لله رب العالمین

WWW.KETAB.B.IR

نبرد (۱)

مناظره مکتب شیخ امامی با جریان مدعی یانی

تقدیر جریان احمد الحسن ۴

سید مهدی مجتهد سیستانی

سرشناسه	مجتهد سیستانی، سیدمهدی، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	نبرد ۱: مناظره مکتب شیعه امامی با جریان مدعی یمانی سیدمهدی مجتهدسیستانی.
مشخصات نشر	قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۸۲ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
فروست	نقد جریان احمدالحسن؛ ۴.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
عنوان دیگر	مناظره مکتب شیعه امامی با جریان مدعی یمانی.
موضوع	مهدویت -- مدعیان
موضوع	Mahdism -- *Claimers:
موضوع	بصری، احمد، ۱۹۷۰ - م. -- مناظره‌ها
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ۲۵۲۷/۶BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۳۰۴۱۴



سرود

مناظره مکتب شیعه امامی با جریان مدعی یمانی

مولف : سید مهدی مجتهد سیستانی

ناشر : دارالتفسیر

سال و نوبت چاپ : ۱۳۹۷ ش - ۱۴۴۰ ق / اول

شمارگان : ۱۰۰۰

چاپخانه : اصیل

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۵-۶۱۹-۲

قیمت : ۲۵۰۰۰ هزار تومان



انتشارات دارالتفسیر

قم : خیابان معلم

میدان روح اله

انتشارات دارالتفسیر

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۱۲

فهرست

- ۷..... مقدمه
- ۹..... پیشگفتار
- ۲۵..... جلسه اول
- ۳۷..... آیا امام زمان ازدواج کرده و فرزند دارند؟
- ۴۳..... جلسه دوم
- ۴۵..... وقتی امام مهدی علیه السلام غایب بوده، پس چطور ازدواج کرده اند؟
- ۶۷..... جلسه سوم
- ۶۷..... چطور می گوئید که شخصیت یمانی فرزند و وصی امام زمان علیه السلام است؟
- ۹۹..... جلسه چهارم
- احمد بصری که پدر و خانواده و عشیره اش در عراق معلوم هستند، چطور
- ۹۹..... می تواند فرزند امام مهدی علیه السلام باشد؟
- ۱۲۳..... جلسه پنجم
- ۱۲۵..... چطور احمد الحسن ادعا می کند که فرزند مهدی علیه السلام است؟

جلسه ششم ۱۴۵

چطور احمد اسماعیل بصری یک دفعه شد احمد الحسن یمانی؟ ۱۴۷

جلسه هفتم ۱۷۹

شما چطور اعتقاد به سیزده امام دارید و می خواهید با همین کتاب شیخ طوسی

آن را اثبات کنید؟ ۱۸۱

جلسه هشتم ۲۱۳

یمانی چطور از بصره آمده مگر نباید از یمن بیاید؟ ۲۱۵

جلسه نهم ۲۵۵

نظر علماء و فقهای شیعه درباره احمد الحسن چیست؟ ۲۵۷

جلسه دهم ۲۸۵

آیا درباره تشخیص حقانیت ادعای احمد نباید به علماء و کارشناسان دین

مراجعه کنیم؟ ۲۸۷

جلسه یازدهم ۳۱۷

چطور می توانید زنده بودن احمد الحسن را اثبات کنید؟ ۳۲۱

جلسه دوازدهم ۳۴۳

چرا احمد زود آمده؟ پس سفیانی و خراسانی کجایند؟ ۳۴۵

به نام خداوند رحمان و رحیم

مقدمه

بار خدایا! به من توفیق بده که به جز حق نبویم و به جز حقیقت نگویم.
بار خداوند! اگر رحمت و توفیق و هدایت تو نباشد مقتضی برای گمراهی
و مانع از هدایت من در درون و برون موجود است؛ از درون، توطئه گری نفس و
نفسانیات من، و از برون نیز شیاطین جنی و انسی که بر سر راه سعادت من دامها
پهن نموده و چاهها حفر کرده و مکرها و فریبها طرح و نقشه ها کشیده اند. پس
من خودم را تنها و تنها به تو و به ولیّ زمانم حضرت بقیة الله روحی و ارواح
العالمین فداه می سپارم تا این عمر کوتاه را به سلامت طی کرده با اعتقادی
درست و عاقبتی خیر به پایان برسانم.

بار خداوندگارا! به من توفیق بده تعصب و تکبر و حسد و غضب را در
مباحثه حق کنار بگذارم و اخلاق و متانت و انصاف و امانت را رعایت نمایم.
آمین رب العالمین

پیشگفتار

متن پیش رو حاصل یک دوره مناظره فشرده بین مکتب شیعه دوازده امامی و مرام پیروان یمانی است که چندی است در ایران رواج پیدا کرده‌اند. مکتب شیعه یعنی همانها که امام دوازدهم خود را آخرین امام - به هر معنایی که تفسیر شود^۱ - و همان قائم موعودی می‌دانند که روزی خودش - نه فرزندش - قیام خواهد کرد و زمین را پر از عدل می‌نماید همانگونه که پر از ظلم و ستم گشته باشد. قائمی که نشانه‌های مشخص جهانی برای شناخته شدن دارد^۲ و آن نشانه‌ها محتاج به تفسیر و تاویل و «یعنی» «یعنی» کردن نیست چون عقل هر انسانی این نکته را می‌فهمد که نشانه یک شیء باید شناخته شده تر از خود آن شیء باشد تا بتواند آن شیء را بشناساند و به زبان علمی: معرف از معرف اُجلی و اعراف باشد. مکتبی که برای هر یک از قرآن و حدیث و عقل جایگاه مناسب خودش را قائل است و نه قرآن گرایی مفرط دارد نه گرفتار حدیث گرایی افراطی

۱. در مرام یمانی‌ها امام به دو گونه عام و خاص است و آنها دوازده مهدی را امام به معنای عام می‌دانند تا به این گونه تاکید روایات بسیار زیاد مبنی بر حصر عدد ائمه در دوازده نفر را توجیه کنند، که البته این اصطلاحی ساختگی است و جوابش در جای خودش خواهد آمد.

۲. از جمله خروج سفیانی در شام قبل از ظهور حضرت قائم عجله، رخداد صیحه ظهور در سحر بیست و سه ماه رمضان، رخداد خسف بیداء یعنی فرو رفتن لشکر سفیانی به زمین که بعد از ظهور و قبل از قیام رخ می‌دهد، و رخداد صیحه خروج در دهم ماه محرم، که این مطالب در روایات فراوان بیان شده است.

است و نه وهم و ظن و خیال را عقل می‌شمرد^۱، و این همه را وامدار علمای پارسای خویش است که این مرام و مکتب را از ائمه اهل البیت علیهم‌السلام فرا گرفته و نسل‌اندر نسل برای مردم هر زمان حفظ نموده و به آنها انتقال داده‌اند. عالمان بزرگ و بزرگواری چون علی بن بابویه قمی، علی بن ابراهیم قمی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی، محقق حلی، محقق حلی، علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی، مقدس اردبیلی، دو علامه مجلسی، فیض کاشانی، وحید بهبهانی، علامه بحر العلوم، میرازی قمی، دو فاضل نراقی، شیخ انصاری، تا به امروز.

و اما مکتب یمانی، یعنی همانها که قائم موعود را فرزند با واسطه امام دوازدهم به نام احمد می‌دانند که همان یمانی موعود و امام سیزدهم و پنجمین نائب خاص ایشان است. همانها که اعتقادات ۱۴۰۰ ساله شیعه را باطل و علمای پرچمدار این مکتب را فاسق و بدعت‌گذار دانسته و با تشبیه شیعه‌ی ۱۲۰۰ ساله به بت پرستانی که کورکورانه به تقلید از آباء و اجداد خویش در راه ضلالت قدم بر می‌داشتند و بدبختی و گمراهی را سعادت می‌پنداشتند از عامه آنها می‌خواهند با دوری کردن از علمای دین که همه فاسق هستند، خود مستقیماً به سراغ ادله حقانیت یمانی بروند تا بفهمند چقدر گمراه و ساده و

۱. البته در دوره‌های مختلف بعضی از اشخاص یا گروه‌های شیعی مانند دیگر فرقه‌های اسلامی به بعضی از اینها دچار شده‌اند اما آنچه که جریان اصلی شیعه را تشکیل می‌داده همین مَنشی است که در بالا ذکر شد.



علمایشان چقدر حيله گر و فاسق بوده‌اند. مکتبی که برای قرآن و حدیث و عقل جایگاه مشخصی قائل نیست و به هیچ وجه نمی‌توان از آن فهمید که کجا عقل حق فهمیدن و حکم کردن دارد و کجا ندارد، کجا خبر واحد حجت هست و کجا نیست، کجا تفسیر به رأی حساب می‌شود و کجا نمی‌شود. در نتیجه مثلاً برای ظهور یمانی تنها دلیلشان عقل است و می‌گویند عقل می‌فهمد هر خروجی نیازمند ظهور است^۱ اما نوبت به تقلید در احکام که می‌شود برای عقل هیچ جایگاهی قائل نیستند و تنها به این دلیل که حدیثی درباره تقلید در احکام وجود ندارد - که البته دارد - آن را بدعتی بزرگ در دین می‌شمرند که علمای فاسق بنا نهاده‌اند.

آری حقیقت را باید از پس این مناظره یافت، و بیش از این نیازی به توضیح نیست.

در پایان ذکر این نکته را لازم می‌دانم که راهکار مبارزه علمی با جریان یمانی نیازمند روشی عالمانه است که همینک مفاد این روش را بیان می‌کنم:

روش کار علمی نسبت به جریان یمانی:

الف) حتماً انتساب حدیث را به معصوم ملاحظه کنید:

مثلاً حدیث «إِنَّ الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ غَيَّةٌ كَغَيَّةِ يُوسُفَ وَرَجَعَتْهُ

۱. در روایات یمانی تنها به خروج او تصریح شده و کوچکترین سخنی درباره ظهور و دعوت و فاصله طولانی آن با خروج او گفته نشده است اما فرقه یمانی با تمسک به عقل برای یمانی که مثلاً همان احمد بصری است ظهوری قائلند که بعد از گذشت حدود ۱۸ سال هنوز منتهی به خروج نشده است.

كَرَجَعَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ»^۱ که برای قائم رجعت قائل است و مطابق ادعای احمد بصری مبنی بر به آسمان رفتن امام زمان علیه السلام می باشد^۲ از کعب الأخبار رسیده و اصلاً جزء بیانات اهل بیت علیهم السلام نیست که نیاز به بحث و بررسی داشته باشد.

ب) حتماً جهت نقل حدیث ملاحظه شود که برای ثبت است یا نقد:

مثلاً شیخ طوسی حدیث استخاره صفوان جهت شناخت حجت خدا را برای نقد آورده نه برای ثبت، و خودش ذیل این حدیث می نگارد: اگر می گفتند صفوان تنها از روی تقلید دیگران به امامت حضرت رضا علیه السلام اعتقاد پیدا کرده شیعیان تر از این نبود که بگویند با نماز و استخاره ایمان پیدا نموده، و شاید هم صفوان، علی بن معاذ را در درجه ای از ابله بودن دیده که تکلیفی نسبت به هدایت وی بر خود ندیده و با این کلام از بحث با او طفره رفته است:

«فهذا ليس فيه أكثر من التشنيع على رجل بالتقليد وإن صح ذلك فليس فيه حجة على غيره على أن الرجل الذي ذكر ذلك عنه فوق هذه المنزلة لموضعه وفضله و زهده و دینه فكيف يستحسن أن يقول لخصمه في مسألة علمية أنه قال فيها بالاستخارة اللهم إلا أن يعتقد فيه من البله والغفلة ما يخرج عن التكليف فيسقط المعارضة لقوله»^۳.

۱. الغيبة للنعماني ۱۴۷

۲. وفاته ای رفعته.

۳. الغيبة للطوسی ص ۶۲

(ج) به راوی حدیث التفات کنید مخصوصاً اینکه زیدی مذهب نباشد زیرا احادیث چندی درباره سیزده امام از ابو الجارود زیدی مذهب رسیده که احتمال دارد چون می خواسته زید را هم جزء ائمه‌ی منصوص قرار دهد حدیث را دستکاری کرده باشد، از جمله یک نسخه از حدیث لوح و این حدیث که می گوید: «مِنْ وَلَدِي اثْنَا عَشَرَ نَجَبَاءَ مُحَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ آخِرُهُم الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا»^۱.

که غیر از اینکه راوی این حدیث رئیس فرقه زیدی هاست و احتمال دارد با تبدیل لفظ ۱۱ به ۱۲، خواسته زید را هم جزء ائمه قرار دهد، در کتاب تقریب المعارف همین روایت به جای لفظ «مِنْ وَلَدِي» لفظ «مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» ثبت شده^۲ که شامل حضرت علی علیه السلام هم می شود و احتمال اینکه چون لفظ «مِنْ وَلَدِي» با اعتقاد نویسنده این کتاب نمی ساخته، متن حدیث را دستکاری کرده باشد قابل تصور نیست زیرا تقوای مرحوم ابو الصلاح حلبی م ۴۴۷ مشهور آفاق بوده و چنین کاری در مورد وی غیر قابل تصور است.

(د) به صدر و ذیل متن مورد نظر از حدیث توجه کنید زیرا ممکن است مخالف عقیده دو طرف باشد:

مثلاً این حدیث: «إِذَا فَقَدَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ مِنْ وَلَدِي قَالَ عَلِيٌّ

۱. الکافی ج ۱ ص ۵۳۴ ح ۱۸

۲. تقریب المعارف ص ۴۱۹

فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَكُونُ هَذِهِ الْعَيْبَةُ قَالَ أَصَبْتُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ
فَيَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا أَكْرَعَةٌ»^۱

خوب این روایت - که از منحصرأ اهل سنت رسیده - می‌گوید قائم و صاحب غیبت از روستای اکرعه در یمن قیام می‌کند در حالیکه این مخالف نظر شیعه و یمانی هاست، اما آنها ذیل حدیث را حذف می‌کنند تا این اشکال مطرح نشود در حالیکه ما می‌توانیم همین ذیل را دلیل بر عدم قبول کل حدیث قلمداد کنیم یا لااقل از آنها توضیح قانع کننده درخواست نماییم که توجیهی ندارند. (ه) حتماً به مصدر اصلی حدیث توجه نمایید:

مثلاً در کتاب مستدرک حدیثی نقل شده که یمانی ها آن را دال بر غلط خواندن قرآن توسط امام معصوم می‌دانند: «قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَقَدْ نَادَيْنَا نُوحًا قُلْتُ نُوحٌ ثُمَّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَوْ نَظَرْتُ فِي هَذَا أَغْنَى الْعَرَبِيَّةَ فَقَالَ دَعْنِي مِنْ سَهْكِكُمْ»^۲

در حالی که مرحوم نوری این حدیث را از کتاب «التنزیل و التحریف» احمد بن محمد سیاری نقل کرده که می‌رساند بحث بر سر تحریف قرآن است نه اشتباه خواندن عربی؛ زیرا حضرت به جای فعل و مفعول یعنی «نادانا» که در قرآن فعلی همین گونه است: «وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ»^۳، فعل و فاعل

۱. کفایة الأثر ص ۱۵۰

۲. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۷۹-۲۸۰ ح ۴۷۰۰

۳. صافات: ۷۵

خوانده اند: «نادینا» و برای همین باید «نوحاً» می خوانده اند تا مفعول باشد پس حضرت اشتباه نخوانده اند بلکه قرآن را بر خلاف قرائت متعارف خوانده اند که دال بر تحریف است و کسی که اشتباه کرده محمد بن مسلم است نه امام صادق علیه السلام.

و) حتماً سر فصل یا عنوان بابی که حدیث در آن ثبت شده را ملاحظه کنید:

مثلاً حدیث «الإثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ وَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ عليه السلام هُمَا الْوَالِدَانِ» دوازده امام را از نسل رسول خدا و امام علی علیه السلام می شمرد و از آنجا که حضرت علی علیه السلام از نسل پیامبر نیست، نتیجه این می شود که تعداد ائمه به علاوه خود امام علی علیه السلام بشود سیزده تا.

خوب مرحوم کلینی این روایت را دوبار در باب «ما جاء في الاثني عشر و النص عليهم: باب اثبات دوازده تا بودن ائمه عليهم السلام» ثبت کرده در حالیکه اگر از این روایت سیزده امام اثبات می شد در این باب ثبتشان نمی کرد، پس ایشان قرائن محکمی نسبت به این روایت داشته که آن را دال بر سیزده امام ندانسته و روایت را حمل بر تغلیب دانسته، در حالیکه از طرفی وی در عصر غیبت صغری می زیسته - که به اعتراف احمد بصری جزء دوران فترت و خفاء امر نبوده - و عقایدی که در کتاب کافی به عنوان عقاید شیعه ثبت نموده به دور از انحرافات

دوره فترت می‌بوده است، و از طرف دیگر، به اعتراف بسیاری، ماهرترین حدیث شناس شیعه محسوب می‌گشته است.

و همین طور است حدیث وصیت غیبت طوسی که در ذیل عنوان حصر عدد ائمه در دوازده ثبت شده، و نیز حدیث استخاره صفوان که تحت عنوان احادیث دروغین واقفیه بر اثبات قائمیت امام کاظم علیه السلام و جهت ابطال ثبت شده است.

(ز) حتماً به نسخه بدل های حدیث توجه کنید:

مثلاً در حدیث اصبع که می‌گوید: «فَكَرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِ الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا يَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ»^۱.

و اشکال شده که: در این حدیث تصریح می‌کند فرزندی از یازدهمین فرزند امیر المومنین علیه السلام به وجود می‌آید که همو مهدی است که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، و یازدهمین فرزند امیر المومنین علیه السلام، امام دوازدهم علیه السلام می‌باشد و فرزند ایشان کسی نیست جز مهدی اول.

خوب این روایت دارای سه نسخه بدل است:

(۱) فاقد یاء در «ظَهْرِي»: در نسخه های متعدد مثل بعضی نسخ کافی، الامامة، کمال الدین، اثبات الوصية، کفایة الاثر، تقریب المعارف و إعلام الوری

۱. الاختصاص ص ۲۰۹، الغيبة للطوسی ص ۱۶۵ و ۳۳۶، دلائل الإمامة (ط - الحديثة) ص ۵۳۰

به این گونه ضبط شده است: «مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي»^۱ یعنی یازدهمین فرزندم، نه فرزندی از یازدهمین فرزندم. پس چه توجیهی وجود دارد که چشم از این همه نسخه بپوشیم و فقط نسخه دلخواه خود را ببینیم، آیا این غیر تزویر و نفاق است؟

(۲) فاقد «الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي»: در غیبت نعمانی کلاً فاقد این فقره است: «مَوْلُودٌ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي هُوَ الْمَهْدِيُّ»^۲ که طبق این نسخه هم اشکالی پیش نمی‌آید.

(۳) فاقد یاء در «ظَهْرِي» ولی با تنوین: در یک قرائت چنین آمده: «مَنْ ظَهَر»^۳ به معنای «بعد از این دوره»، یعنی مولودی که بعد از این دهر به وجود می‌آید که او یازدهمین فرزند از نسل من است.^۴

(ح) به سیاق و چینش احادیث توجه کنید که پس و پیش این حدیث چه احادیثی ثبت شده است:

مثلاً حدیث «إِلَّا ثَنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وَلَدِ

۱. الکافی ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۷ طبق نسخه های «بع»، «جد» و مطبوع، الإمامة والتبصرة ص ۲۰، کمال الدین ج ۱ ص ۲۸۹، اثبات الوصية ص ۲۷۰ (البته در ص ۲۶۶ طبق نسخه دیگر ثبت کرده است)، کفاية الاثر ص ۲۲۰، تقريب المعارف ص ۴۲۹، إعلام الوری (ط - الحديثة) ج ۲ ص ۲۲۸

۲. الغيبة للنعمانی ص ۶۱

۳. مرآة العقول ج ۴ ص ۴۳

۴. و ربما يقرأ ظهراً بالتونين أى وراء، و المراد أنه يولد بعد هذا الدهر، و الحادى عشر مبتدأ خبره المهدي. مرآة العقول ج ۴ ص ۴۳

رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ وَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هُمَا الْوَالِدَانِ^۱ که دوبار در کافی ثبت گشته، حدیث شماره قبل در هر دو ثبت، تصریح می‌کند که ائمه علیهم‌السلام از نسل پیامبر ﷺ یازده نفر می‌باشند نه دوازده نفر، لذا ظاهر این حدیث حمل بر صراحت آن دو حدیث می‌گردد؛ و آن دو روایت از این قرارند:

الف: خداوند محمد و علی و یازده فرزند از نسل او را از نور عظمتش آفرید... و همین ها ائمه از نسل پیامبر می‌باشند: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وَلَدِهِ مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ فَأَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا فِي ضِيَاءِ نُورِهِ يَعْبُدُونَهُ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ يَسْبَحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ وَ هُمْ الْأَيَّمَةُ مِنْ وَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».^۲

ب: امام علی علیه‌السلام پیامبر را بعد از وفات و دفنشان به خلیفه اول نشان دادند که به او فرمودند: ای ابو بکر به علی و یازده فرزند از نسل او ایمان بیاور آنها مثل منند و فقط نبوت ندارند: «أَخَذَ عَلِيٌّ بِيَدِ أَبِي بَكْرٍ فَأَرَاهُ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا بَكْرٍ آمِنْ بِعَلِيِّ وَ بِأَحَدِ عَشَرَ مِنْ وَلَدِهِ إِنَّهُمْ مِثْلِي إِلَّا النَّبُوءَةَ وَ تُبِّ إِلَيَّ اللَّهُ مِمَّا فِي يَدِكَ فَإِنَّهُ لَا حَقَّ لَكَ فِيهِ».^۳

ط) به توضیحات خود مولف ذیل حدیث توجه کنید: مثل استخاره صفوان. ذکر این نکته نیز مفید است که هر حدیثی در کافی ثبت شده توضیحش در مرآة العقول علامه مجلسی و شرح کافی مازندرانی آمده، و هر حدیثی در تهذیب نقل

۱. الکافی ج ۱ ص ۵۳۱ ح ۷ و ص ۵۳۳ ح ۱۴

۲. الکافی ج ۱ ص ۵۳۰-۵۳۱ ح ۶

۳. الکافی ج ۱ ص ۵۳۳ ح ۱۳

شده شرحش در ملاذ الأخیار علامه مجلسی موجود است، و هر حدیثی در من لا یحضره الفقیه آمده شرحش در روضة المتقین و لوامع صاحب قرانی پدر علامه مجلسی وجود دارد، و شرح احادیث دیگر در بحار الانوار می باشد، و البته بعضی احادیث نیز وجود دارد که تا به حال احدی آن را شرح نداده و اکاوی مفاد آن وظیفه سنگین محققین فعلی است مثل این روایت که پرچم را کسی از فرزندان جعفر به قائم می دهد.^۱

ی) حتماً مقدمه کتاب لحاظ شود زیرا گاهی از مقدمه کتاب وضعیت تمام احادیث موجود در آن فهمیده می شود: مثلاً حدیث وصیت و احادیث مهدیین در الفوائد الطوسیة شیخ حر عاملی ثبت شده، در حالیکه در مقدمه نگاشته:

«هذه فوائد في حل بعض الأحادیث المشکلة ... وجد جواب الشبهات و توجیه المتشابهات و رفع التمیوه و المغالطات و رد ما اشتهر من التلیسات و التلیسات و إبطال ما ظهر في بعض كتب الإمامية من أباطیل العامة المزخرفات و إیقاظ الغافل عن بعض المشهورات المخالفة للروایات المتواترات ما لا يوجد في شيء من المؤلفات».

این متن می رساند که اولاً مساله دوازده مهدی بعد قائم چیز جدیدی نیست و ۵۰۰ سال پیش هم مطرح شده و علماء از وجود چنین احادیثی غافل نبودند اما چون محتوای آن را باطل می دانسته اند به آنها اعتنا نمی کردند. ثانیاً

احادیث دوازده مهدی در ضمن احادیث مشکل دار متشابهاً و باطل عامه و مخالف احادیث متواتر ثبت شده است؛ و البته در خود متن نیز مرحوم حر به خوبی از پس ابطال این احادیث بر آمده است.

ک) در تفسیر آیات، قبل از مراجعه به هر تفسیری به احادیث اهل بیت علیهم السلام در البرهان و نور الثقلین و نرم افزار جامع الاحادیث مراجعه کنید زیرا گاهی جواب شبهه در همان حدیث به طور واضح داده شده است.

مثلاً تعبیر خواب حضرت یوسف علیه السلام در روایتی از امام باقر علیه السلام اینچنین بیان شده: «تَأْوِيلُ هَذِهِ الرُّؤْيَا أَنَّهُ سَيَمْلِكُ مِصْرَ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ أَبَوَاهُ وَإِخْوَتُهُ، أَمَّا السَّمْسُ فَأُمُّ يُوسُفَ رَاحِيلَ وَالْقَمَرُ يَعْقُوبُ وَأَمَّا أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا فَأِخْوَتُهُ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ وَحَذَهُ حِينَ نَظَرُوا إِلَيْهِ وَكَانَ ذَلِكَ السُّجُودُ لِلَّهِ»^۱.

این در حالیست که متأسفانه در بعضی کتب تفاسیر، تعبیر رویای یوسف علیه السلام را به نبوت رسیدن او دانسته اند، در حالیکه مخالف این حدیث و حتی مخالف آیه ۱۰۰ از خود سوره یوسف است که می فرماید: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ».

ل) به نقش ترکیبی کلمات توجه کنید چون ممکن است وجهی که طرف مقابل در نظر گرفته است اشتباه یا دارای احتمال دیگری هم باشد: مثلاً در حدیث «اصبغ» و حدیث «إذا فقد الخامس» می توان «من ولدی» را صفت برای

برای «مولود» و «الخامس» گرفت که مطابق عقیده شیعه است نه صفت برای «الحادی عشر» و «السابع» که مطابق عقیده یمانی هاست.

م) به اعراب گذاری جامع الاحادیث نسبت به کلمات احادیث اعتماد کامل نداشته باشید زیرا ممکن است که با جا به جا شدن یک فتحه و کسره دو اعتقاد متضاد به وجود آید مانند «الأوصیاء من عترته» در زیارتنامه امام حسین علیه السلام که می فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ ... الْمُعَوَّضُ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ ...»^۱

یمانی ها می گویند: در این زیارت نامه تصریح شده که بعد از قائم و غیبت او اوصیائی هستند که از عترت امام حسین علیه السلام می باشند و این با رجعت ائمه نمی سازد چون همه آنها از نسل حسین نمی باشند، در نتیجه مراد از این اوصیاء همان مهدیین هستند که همگی از نسل امام حسین می باشند.

اما این احتمال وجود دارد که «الأوصیاء» مجرور بوده و عطف به «أَوْبَتِهِ» باشد و معنا اینگونه می شود: سعادت با امام حسین در زمان رجعت ایشان و رجعت اوصیاء از نسل ایشان است، که در این صورت «مِنْ عَتْرَتِهِ» خبر برای «الأَوْصِيَاءَ» نیست که بگویند این فقره دارد خبر می دهد اوصیاء از نسل امام

حسین می باشند بلکه حال از آن می باشد و از رجعت اوصیائی سخن می گوید که از نسل امام حسین علیه السلام می باشند و این هیچ ربطی به مساله مهدیین ندارد زیرا آنها دارای رجعت نیستند.

هر چند که غیر از این ما دو جواب دیگر برای این زیارت نامه داریم: اولاً در این زیارت نامه در فقره قبل درباره امام حسین علیه السلام می گوید: «أَنَّ الْأَنْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ» در حالیکه همه انمه از نسل امام حسین نیستند و فقط نه تن از آنها از نسل ایشان می باشند، لذا مراد از «الْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِثْرَتِهِ» نیز همان نه امامی است که بعد از امام حسین علیه السلام می باشند. ثانیاً در ادامه همین زیارت نامه تصریح کرده که تعداد اوصیاء دوازده نفر است:

«اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ... وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ النَّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ».

و اما نکته ای درباره خواب: جریان یمانی در کنار استدلال به آیات و روایات متعدد پیرامون حجیت خواب و استدلال به دو روایت در خصوص قائم علیه السلام که رؤیا راه شناخته شدن قائم است^۱، به دو وجه دیگر برای حجیت

۱. مراد دو حدیث درباره اجتماع اهل بیت علیهم السلام به دور قائم است که یمانی ها آن دورا تاویل به خواب دیدن انمه متعدد پیرامون بر حق بودن احمد بصری می برند: «دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبَانُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ ذَلِكَ حِينَ ظَهَرَتِ الرَّايَاتُ السَّوْدُ بِخُرَاسَانَ فَقُلْنَا مَا تَرَى فَقَالَ اجْلِسُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ». الغيبة للنعمانی ص ۱۹۷ ح ۶: «هُمَا صَبِيحَتَانِ صَبِيحَةٌ»

خواب تمسک می‌کنند: یکی خوابنا شدن افراد متعدد در کشورهای متعدد و دیگری خبر دادن از اینکه تو امشب خواب می‌بینی احمد بر حق است.

در جواب می‌گوییم:

الف) خوابنا شدن به صورت گسترده منحصر به این فرقه نیست و در فرقه های مختلف دیده شده است، از جمله فرقه اکنکار که چندین هزار نفر در ایران طرفدار دارد، همچنانکه خبر دادن از غیب نیز در فرقه های گوناگون از جمله مرتاض های هندی دیده شده و اینها دلیلی بر حقانیت فرد نیست؛ بماند که خبر غیبی فرقه یمانی همیشه درست از کار در نمی‌آید و افراد متعددی خبر داده‌اند که به جای خواب احمد خواب احتلام دیده‌اند.

و الحمد لله اولاً و آخراً و صلى الله على محمد وآله الطاهرين و عجل الله فرج منتقهم.

و بالله التوفيق

الخطيب ابن الحسين

→ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ وَصَبَحَهُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ الثَّانِيَةِ قَالَ فَقُلْتُ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ فَقَالَ وَاحِدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ وَوَاحِدَةٌ مِنْ إِبْلِيسَ فَقُلْتُ وَكَيْفَ تُعْرِفُ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ فَقَالَ يَعْرِفُهَا مَنْ كَانَ سَمِعَ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَكُونَ». الغيبة للنعماني ص ۲۶۵-۲۶۶ ح ۳۱

جواب این دو حدیث به طور مشروح در کتاب «خوابنا» ذکر شده است.